

ابومحمد مُصلح‌الدین بن عَبْدِالله نامور به سعدی شیرازی و مشرف‌الدین (۵۸۵ یا ۶۰۶ - ۶۹۱ هجری قمری، برابر با: ۵۶۸ یا ۵۸۸ - ۶۷۱ هجری شمسی) شاعر و نویسنده پارسی‌گوی ایرانی است. آوازه او بیشتر به خاطر نظم و نثر آهنگین، گیرا و قوی اوست. جایگاهش نزد اهل ادب تا بدان‌جاست که به وی لقب استاد سخن و شیخ اجل داده‌اند. آثار معروفش کتاب گلستان در نثر و بوستان در بحر متقارب و نیز غزلیات و دیوان اشعار اوست که به این سه اثر کلیات سعدی می‌گویند.

سعدی در شیراز زاده شد وی کودکی بیش نبود که پدرش در گذشت. در دوران کودکی با علاقه زیاد به مکتب می‌رفت و مقدمات دانش را می‌آموخت. هنگام نوجوانی به پژوهش و دین و دانش علاقه فراوانی نشان داد. اوضاع نابسامان ایران در پایان دوران سلطان محمد خوارزمشاه و به ویژه حمله سلطان غیاث‌الدین، برادر جلال‌الدین خوارزمشاه به شیراز (سال ۶۲۷) سعدی را که هوایی جز به دست آوردن دانش در سر نداشت بر آن داشت شیراز را ترک نماید. سعدی در حدود ۶۲۰ یا ۶۲۳ قمری از شیراز به مدرسه نظامیه بغداد رفت و در آنجا از آموزه‌های امام محمد غزالی بیشترین تأثیر را پذیرفت (سعدی در گلستان غزالی را «امام مرشد» می‌نامد).

غیر از نظامیه، سعدی در مجلس درس استادان دیگری از قبیل شهاب‌الدین عمر سهروردی نیز حضور یافت و در عرفان از او تأثیر گرفت. این شهاب‌الدین عمر سهروردی را نباید با شیخ اشراق، یحیی سهروردی، اشتباه گرفت. معلم احتمالی دیگر وی در بغداد ابوالفرج بن جوزی (سال درگذشت ۶۳۶) بوده‌است که در هویت اصلی وی بین پژوهندگان (از جمله بین محمد قزوینی و محیط طباطبایی) اختلاف وجود دارد. پس از پایان تحصیل در بغداد، سعدی به سفرهای گوناگونی پرداخت که به بسیاری از این سفرها در آثار خود اشاره کرده‌است. در این که سعدی از چه سرزمین‌هایی دیدن کرده میان پژوهندگان اختلاف نظر وجود دارد و به حکایات خود سعدی هم نمی‌توان بسنده کرد و به نظر می‌رسد که بعضی از این سفرها داستان‌پردازی باشد (موحد ۱۳۷۴، ص ۵۸)، زیرا بسیاری از آنها پایه نمادین و اخلاقی دارند نه واقعی. مسلم است که شاعر به عراق، شام و حجاز سفر کرده‌است و شاید از هندوستان، ترکستان، آسیای صغیر، غزنین، آذربایجان، فلسطین، چین، یمن و آفریقای شمالی هم دیدار کرده باشد.

سعدی در حدود ۶۵۵ قمری به شیراز بازگشت و در خانقاه ابو عبدالله بن خفیف مجاور شد. حاکم فارس در این زمان اتابک ابوبکر بن سعد زنگی (۶۲۳-۶۵۸) بود که برای جلوگیری از هجوم مغولان به فارس به آنان خراج می‌داد و یک سال بعد به فتح بغداد به دست مغولان (در ۴ صفر ۶۵۶) به آنان کمک کرد. در دوران ابوبکر بن سعد بن زنگی شیراز پناهگاه دانشمندی شده بود که از دم تیغ تاتار جان سالم بدر برده بودند. در دوران وی سعدی مقامی ارجمند در دربار به دست آورده بود. در آن زمان ولیعهد مظفرالدین ابوبکر به نام سعد بن ابوبکر که تخلص سعدی هم از نام او است به سعدی ارادت بسیار داشت. سعدی بوستان را که سرودنش در ۶۵۵ به پایان رسید، به نام بوبکر سعد کرد.

هنوز یکسال از تدوین بوستان نگذشته بود که در بهار سال ۶۵۶ دومین اثرش گلستان را بنام ولیعهد سعدبن ابوبکر بن زنگی نگاشت و خود در دیباچه گلستان می‌گوید. هنوز از گلستان بستان بقیتی موجود بود که کتاب گلستان تمام شد. سعدی جهانگردی خود را در سال ۱۱۲۶ آغاز نمود و به شهرهای خاور نزدیک و خاور میانه، هندوستان، حبشه، مصر و شمال آفریقا سفر کرد (این جهانگردی به روایتی سی سال به طول انجامید)؛ حکایت‌هایی که سعدی در گلستان و بوستان آورده‌است، نگرش و بینش او را نمایان می‌سازد. وی در مدرسه نظامیه بغداد دانش آموخته بود و در آنجا وی را ادرار (ادرار به فتح الف به معنی سرا یا حجره) بود. در سفرها نیز سختی بسیار کشید، او خود گفته‌است که پایش برهنه بود و پاپوشی نداشت و دلتنگ به جامع کوفه در آمد و یکی را دید که پای نداشت، پس سپاس نعمت خدایی بداشت و بر بی‌کفشی صبر نمود. آن طور که از روایت بوستان برمی‌آید، وقتی در هند بود، سازکار بتی را کشف کرد و برهمنی را که در آنجا نهان بود در چاله انداخت و کشت؛ وی در بوستان، این روش را در برابر همه فریبکاران توصیه کرده‌است. حکایات سعدی عموماً پندآموز و مشحون از پند و و پاره‌ای مطایبات است. سعدی، ایمان را مایه تسلیت می‌دانست و راه التیام زخم‌های زندگی را محبت و دوستی قلمداد می‌کرد. علت عمر دراز سعدی نیز ایمان قوی او بود.